شهرآرا
SHAHRARANEWS.IR
۲شنبه
سال شانزدهم
۲۱ آبان ۱۴۰۳
۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۶
شماره ۴۳۵۷
Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir
سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای
روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵
نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
روابط عمومی: ۰۵۱ -۳۸۴۸۳۷۵۲
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹



دمای هوای مشهد
رطوبت هوا ۵۲٪ ↓ ۷° ↑ ۱۷°
صبح ۶ | ظهر ۱۲
عصر ۱۴ | شب ۱۱

اوقات شرعی مشهد
اذان ظهر ۱۱:۱۵:۳۶ | نیمه شب شرعی ۲۲:۳۲:۰۸
غروب آفتاب ۱۶:۲۶:۰۵ | اذان صبح فردا ۰۴:۳۹:۰۵
اذان مغرب ۱۶:۴۵:۲۷ | طلوع آفتاب فردا ۰۶:۰۶:۰۸

اول شخص

عزم راسخ انسانی مومن*

یادی از سردار شهید حسن طهرانی مقدم، پدر موشکی ایران که در ۲۱ آبان ۱۳۹۰ به شهادت رسید



آزاده چشمه‌سنگی
نویسنده

یکم/ بچه محله سرچشمه

نشسته‌اند برابر آبی بی نهایت دریا. حوالی غروب است. حسن دلتنگ هم محلی هایش در تهران است. رفقای محله سرچشمه لابد الان دارند از یک بازی گل کوچک عصرانه به سمت خانه هایشان سرازیر می شوند و او حالا کنار خواهرش فریده، لب بندر نشسته و پایین آمدن آفتاب را تماشا می‌کند. با آن سن و سال کم، دل بزرگی دارد که گلایه نمی‌کند. همین دل بزرگش بود که باعث شد پدرومادرش او را با خواهرش همراه کنند تا این چندتاسال فرصت شغلی فریده در بندرعباس را کنارش باشد و همانجا برود مدرسه. فریده جور عجیبی حسن را دوست داشت. دست می‌کشید روی دانه های گرگرفته شن و ماسه و رو به حسن می‌گفت: «یادته دلت دردگرفته بود، مامان مهری هرچی بلد بود به خوردت داد ولی انگار نه انگار؟» بعد حسن برگشت. لبخندی زد و گفت: «بعد رفتیم شمال. محبوبه خانم، زن همسایه، گفته بود شن و ماسه روی شکمش بریزین خوب می شه.» و راستی راستی خوب شده بود. خاطره آن شمال را هرگز فراموش نمی‌کردند. چند ماه بعد، فریده ازدواج کرد و حسن برگشت تهران. برگشت پیش هم بازی های کودکی اش توی محله سرچشمه. حالا می توانست تا خود غروب توی کوچه ها بازی کند و با اذان مغرب، توپ را بزند گوشه ای و سرازیر شود سمت مسجد زینب کبری(س). او عاشق کلاس های اخلاق حاج آقا لواسانی بود. خیلی وقت ها مراسم مذهبی و اردوهای مسجد از بازی با بچه های کوچه بیشتر مزه می داد. از همه بیشتر، گروه سرود مسجد بود که او را پایبند کرده بود. همان گروهی که وقتی امام(ره) به ایران آمد، توی فرودگاه مهرآباد برابر خیل عظیم جمعیت، شروع به اجرا کرد: ای مجاهد ای مظهر شرف/ ای گذشته ز جان در ره هدف...

دوم/ شلیک نخستین موشک

انقلاب پیروز شده و حالا مثل طفلی نوپا، محتاج مراقبت و رشد و قوی تر شدن است. حسن هم دیگر آن پسربچه کوچک بازیگوش نیست. برای خودش مردی شده. با برادرها، می رود جهاد سازندگی و سپاه. سن و سالی ندارد اما همین اول کاری می شود مسئول اطلاعات امنیتی منطقه ۳ سپاه شمال. صدای خمپاره های صدام که بلند می شود، راهش را می‌کشد سمت جبهه. هنوز بیست روزی از آغاز جنگ نگذشته که علی، برادرش شهید می شود. نگاه به چشم های در خون نشسته مادرش که می اندازد، قلبش هزارپاره می شود. چند وقتی خودش را در سپاه و کمیته تهران مشغول می‌کند تا داغ برادر سبک شود و عوض مبارزه پشت سنگرها، می ماند تهران و به کمین عناصر ضدانقلاب می نشیند. اما خرداد ۱۳۶۰، تهران دیگر جای ماندن نیست. بند پوتینش را سفت می‌کند. بوسه ای به پیشانی مادرش می‌کارد و می رود. همین که پایش به مناطق جنگی باز می شود، از مشاهده داشته های نظامی رزمنده ها، به گریه می افتد. دست ایران در حوزه موشکی خالی تر از چیزی است که تصور می‌کرد. حسن، دانش آموخته رشته مهندسی صنایع ریخته‌گری است. فکر می‌کند چطور می شود موشک ساخت. این جنگ با چنین تجهیزاتی، محکوم به شکست خواهد بود. این ها را پس از عملیات ثامن الائمه(ع) می فهمد. زمانی که نیروهای پشتیبانی خودی در خطوط مقدم جنگ، زیر بار آتش خمپاره اندازهای صدام، ناتوان شده بودند. از همین جاست که ایده تشکیل توپخانه سپاه را تقدیم محسن رضایی می‌کند. آرام آرام تیپ ها و لشکرها هرکدام برای خودشان توپ خانه ای دارند. نیروها در اصفهان آموزش می بینند و در خط مقدم، غوغا می‌کنند. اما همین که صدام موشک هایش را حواله تهران و دیگر شهرهای ایران می‌کند، حسن طهرانی مقدم و هم سنگرانش، متوجه ضعف در حوزه دفاع موشکی می شوند. ایران هیچ موشکی برای مقابله به مثل ندارد. در نهایت قزافی ۱۰ فروند موشک اسکاد بی به ایران واگذار می‌کند. موشک ها به ایران می آید. چندتایی شلیک می شود و چندتایی می افتد دست نخبه های نظامی برای مهندسی معکوس. از آن طرف هم یک تیم از نیروهای سپاه مأمور شدند بروند سوریه برای آشنایی با ساز و کار موشک ها. به این ترتیب ایران به لطف ممارست های حسن طهرانی مقدم، صاحب موشک می شود. ۲۱ اسفند ۶۳ اولین موشک از ایران به کرکوک عراق شلیک می شود و یک سال پس از آن، حسن طهرانی مقدم به عنوان فرمانده موشکی نیروی هوایی سپاه منصوب شد.

سوم/ شکوه قدرت موشکی ایران

اواسط دوران جنگ تازه آغاز تجهیز ایران به موشک های نظامی بود و دهه ۸۰ زمان تولید انبوه موشک در ایران فرا رسید و دیری نپایید که خودش صادرکننده این صنعت به دیگر هم پیمانانش شد. یگان های موشکی حزب ا... یادگار سردار طهرانی مقدم بود. حزب ا... به لطف اقدامات بی شائبه او و در پاسخ به حملات و تهدیدات رژیم غاصب صهیونیستی، به موشک هایی مجهز شد که می توانست مسیر جنگ را عوض کند. از این سو، تجهیز سیستم دفاعی کشور به موشک های ساخت داخل، در مسیر رشد افتاده بود و روزبه روز دستاوردهای تازه ای به دنبال داشت. موشک هایی نظیر سجیل و شهاب که آسمان ایران تا سرزمین های اشغالی را در کمتر از ۱۰ دقیقه می پیماید. حاصل سال ها دوندگی و برنامه ریزی سردار طهرانی مقدم است. روزی که خبر رسید سرانجام سردار حسن طهرانی مقدم در مسیر خدمت به سامانه موشکی ایران طی حادثه ای در انبار مهمات پادگان مدرس به همراه تعدادی دیگر به فیض شهادت رسیده، عده ای گمان می‌کردند مسیر توسعه در حوزه تسلیحات نظامی با فقدان پدر موشکی ایران، با مشکلات جدی روبه رو خواهد شد. اما سردار خیلی خوب، پایه های برنامه موشکی ایران را پی ریزی کرده بود. چنان که سیزده سال پس از شهادت او، در آتش باران موشکی ایران به سوی اسرائیل تحت عنوان عملیات وعده صادق ۱ و ۲، چشم تمام خبرگزاری های جهان به شکوه قدرت موشکی ایران خیره مانده بود. پشتوانه محکمی که اعتبار ایران در سطح بین الملل را قوت می بخشد.

* در دستخطی از رهبر معظم انقلاب به تقدیر از سردار حسن طهرانی مقدم و همکارانش چنین آمده است: «شما به کمک و هدایت خداوند علیم و قدیر توانسته ایدکار بزرگی را به سامان برسانید. این، بار دیگر معجزه توانایی های عزم راسخ انسان مؤمن را در معرض نگاه ما می‌گذارد و ما را امیدوارتر از همیشه به همت و تلاش برمی انگیزد. از پیشروی در راه شناختن هدف های بلند و راه های میان بُر برای رسیدن به آن و آنگاه همت گماشتن و گام برداشتن خسته نشوید؛ به ایستگاه های میان راه دلخوش و قانع نشوید؛ به خدای بزرگ اعتماد کنید و همه توان خود را به عرصه بیاورید. خداوند یار و نگهدار شما مردان مؤمن و دانشمند و پرتلاش باد.»



عکس یادگاری رزمندگان و سرداران جنگ با حضور شهید قاسم سلیمانی، شهید مهدی باکری، شهید احمد کاظمی و شهید طهرانی مقدم





سفر زیارتی شهید حسن طهرانی مقدم به مشهد

یادگاری موشکی

شهید طهرانی مقدم در دهه ۷۰ موفق به تبدیل راکت سوخت جامد زلزال به موشک زمین به زمین هدایت شونده «فاتح ۱۱۰» شد. او همچنین موشک فاتح ۱۱۰ را به یک موشک نقطه زن زمین به دریا با قابلیت رهگیری اهداف متحرک دریایی، تحت نام موشک «خلیج فارس» تبدیل کرد. راه اندازی مرکز تحقیقات موشکی در این مرکز، در مدت شش ماه، چهار سیستم تجهیزات زمینی برای موشک شهاب ۳ طراحی و ساخته شد. مشکلات تجهیزات موشک های سوخت جامد و مایع نیز در این مرکز حل و طی دو سال، ۵۰ سری تجهیزات زمینی برای موشک شهاب ۱ و ۲ تولید و تحویل فرماندهی موشکی شد. این اقدامات توانست تمام کمبودهای تجهیزات زمینی را مرتفع کند. از جمله دستاوردهای شهید طهرانی مقدم، ساخت سیستم هدایت کنترل نسل دوم موشک های اسکاد بی (شهاب یک) بود. این سیستم عمر موشک ها را از ۲۵ ساعت به ۴۰۰ ساعت افزایش داد. در نسل سوم این سیستم ها، عمر موشک به ۲۰۰۰۰ ساعت و دقت بسیار بالاتر رسید.

چکامه

جای تو بود خالی

شدگرز رستم و گیو آوار بر سر دیو کودک کش تل آویو دیشب گرفت ماتم
موشک گداخت از دور جان شیوخ مزدور اما گذاشت چون نور بر زخم غزه، مرهم
شد روز مرگ صهیون نزدیک تر به تقویم شد بیشتر فلسطین بر عزم خود مصمم
اما در این حوالی جای تو بود خالی هرچند شاهدی خود بر ما و اهل عالم
یک دم به خواب شیرین بردار سر ز بالین تا قد خصم بینی مانند گنبدش خم
بذری که کاشت دستت امروز شد شکوفا ای باغبان! نهالت شد مثل سرو، محکم
بر روح پرفتوحت شد ملتی دعاگو آن سان که از تو راضی است روح رسول خاتم
ایران، صلابتش را تهران مهابتش را مدیون توست آری طهرانی مقدم!

بخشی از سروده افشین علاکه پس از وعده صادق ۲ به شهید طهرانی مقدم تقدیم کرده است.

چه ها

اختلاف نظر من با دانشمندان



ضحی زردکانلو
روزنامه نگار

اول مرغ بود یا تخم مرغ؟ اولین بار خانم خانی این عبارت را روی تخته کلاس نوشت و گفت: این موضوع انشا امروز شماست. نیم ساعت هم وقت دارید که درباره اش بنویسد! کلاس سوم بودیم. هنوز اعراب گذاری روی کلمات از کلاس اول از سرمان نرفته بود و حتی اجازه نداشتیم با خودکار بنویسیم چون احتمال غلط نوشتنمان بسیار بود و حالا باید با حرف ها معنا و محتوا هم تولید می کردیم! استدلال می کردیم و پاسخ می دادیم!

پس مداد سیاه و گلی ام را برداشتم و نوشتم:

«به نام خدا. خانم خانی این سؤال شما که اول مرغ بود یا تخم مرغ خیلی ذهن من را درگیر کرده است. مثل وقت هایی که با خودم فکر می کنم مثلا خدا می تواند که کوهی بسازد که از خودش بزرگ تر باشد؟ چون که من فکر می کنم کوه جزو بزرگ ترین چیزهایی است که خداوند آفریده است. یا مثلا شتر مرغ چطور توی تخم جا شده به آن بزرگی؟ یعنی خدا شتر به آن بزرگی را چگونه داخل تخم جا داده است؟ درباره موضوع انشای شما که اول مرغ بوده یا تخم مرغ هم من ذهنم گیج می شود.

اگر اول تخم بوده آن تخم را چه کسی گذاشته و اگر اول مرغ بوده آن مرغ از کدام تخم بیرون آمده است؟ ولی من از آنجایی که مطمئن هستم این سؤال شما حتما جواب درستی دارد و شما قرار است بعد از اینکه انشاهای ما را خواندید به ما نمره بدهید؛ باید بگویم که اول مرغ بوده است. دلیلش را هم برایتان می گویم. خانم جلالیان معلم پارسالمان داستان کشتی حضرت نوح را برایمان تعریف کرده است. داستان آدم و حوا را هم تعریف کرده است. پس به این نتیجه می رسیم که اول مرغ بوده است بعد تخم مرغ بوده است.»

بعد که انشایم روی آن ورق های بزرگ سربرگ آبی دار تمام شد، پایینش با مداد گلی یک پایان بزرگ نوشتم و بعد که کلی پایین صفحه جای خالی بود شروع کردم به کشیدن یک مرغ که یک پا داشت و یک تخم که مثلا بچه اش است و یک خروس که از دور به سمتشان می آید. خانم خانی برگه ها را جمع کرد. زنگ خورد و زنگ تفریح شد و ساعت بعدی هم ریاضی داشتیم. چند روزی گذشت. چند ماه، سال تمام شد... و حالا ۲۵ سال از آن موقع می گذرد. خانم خانی هیچ وقت نه پاسخ آن سؤال را به ما داد و نه نمره ای برای آن انشا توی دفتر نمره اش نوشت. حتی برگه های انشا را هم با خودش برد خانه.

من بعدتر فهمیدم که این یک سؤال جهانی است که دانشمندان هم از پاسخ نهایی به آن عاجز مانده اند! و بعد من در ۹ سالگی شک نداشتم که پاسخ درست را کشف کرده و برایش استدلال هم دارم!

از بچگی انگار آدمیزاد یک مدل رفتاری حق به جانبی دارد که فکر می کند آنچه که فکر می کند درست است. وقتی که بزرگ می شود این عادت هم بزرگ تر می شود و ممکن است کار به جایی برسد که تاب نظرات مخالف را نداشته باشد! چه بسا آن نظر مخالف درست باشد!

باید اذعان کنم که بله! توی ذوقم خورد چند روز پیش که دانشمندان و محققان و ... دور هم جمع شدند و کلی سند و مدرک و استدلال رو کردند که احتمالا اول تخم بوده نه مرغ!



کارتون شهر



رضا جنگی

از ابتدای سال هوای ۳۵ روز مشهد ناسالم بوده است

منبع: مرکز پایش آلاینده های زیست محیطی مشهد

عکس روز

زشتی را هیچ کسی دوست ندارد

زشتی را هیچ کس دوست ندارد. زشتی بوی بد می دهد. شکل بدی دارد و حال همه را بد می کند. یکی از این زشتی ها آلودگی های بصری در کوچه و خیابان است. کاش یک روزی برسد که هیچ شهروندی در هیچ نقطه شهر زباله هایش را رها نکند وسط کوچه و برود.

عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

